

دانشنامه جهان اسلام

ر

الرشید - ربی معیری

(۲۰)



زیر نظر

علاء علی حداد عادل

ساوان می
حسن طارمی راد

تهران ۱۳۹۴

Behçet Necatigil, *Edebiyatımızda isimler sözlüğü*, İstanbul 1991; Nihat Öztoprak, "Rûhî'nin şiir anlayışı", *Türk Kültürü İncelemeleri dergisi*, 12 (2005); Rûhî Bağdatlı, *Bağdatlı Rûhî divanı: karşılaştırmalı metin*, ed. Coşkun Ak, Bursa 2001; idem, *Bağdatlı Rûhî: hayatı, edebi kişiliği ve divanı'ndan seçmeler*, ed. Coşkun Ak, Bursa 2000; idem, *Bağdatlı Ruhi: hayatı, şahsiyeti, şiirlerinden seçme parçalar*, ed. Murat Uraz, İstanbul 1941; Mehmet Nail Tuman, *Tuhfe-i Naili, divanı şairlerinin muhtasar biyografileri*, Ankara 2001; TDVİA, s.v. "Rûhî-i Bağdâdî" (by Coşkun Ak).

/ باسمین آق قوش^۱ /

رود (نوعی ساز) ← بربط

رودان، شهر و شهرستانی در شمال شرقی استان هرمزگان. شهر رودان، که به دهبازر نیز مشهور بوده، در صد کیلومتری شمال شرقی بندرعباس* و در مسیر جاده بندرعباس - کهنوج* واقع است. این شهرستان با میانگین بارش سالانه ۲۹۰ میلیمتر جزو مناطق نیمه خشک ایران محسوب می شود (فرهنگ جغرافیایی آدابیهایی [کشور]، ج ۶، ص ۵، ۹).

رودان با اینکه پیوسته بر سر راه تجاری میان ایالت کرمان و مراکز تجاری خلیج فارس قرار داشته (← افضل الدین کرمانی، مقدمه باستانی پاریزی، ص ۱۲؛ اسمیت^۲، ص ۲۳۱-۲۳۳)، هیچگاه موقعیت شهری ممتازی نیافته است. آثار تاریخی منطقه حاکی از قدمت سکونت در آنجا از پیش از تاریخ است (← معتمدی، ص ۹۷؛ پازوکی طرودی و شادمهر، ص ۴۴۲). قدمت سنگ نگاره‌ای به خطوط میخی و هیروگلیف، در پانزده کیلومتری شمال شهر رودان، به پیش از هخامنشیان (حک: ۳۳۱-۵۵۹ ق م) نسبت داده شده است. چند قلعه و تپه باستانی نیز هست که قدمت برخی از آنها به پیش از اسلام می رسد (← معتمدی، ص ۹۸-۱۰۱، ۱۰۳-۱۰۵؛ فرهنگ جغرافیایی آدابیهایی [کشور]، ج ۶، ص ۲۰-۲۱). با وجود این، در گزارشهای فتح شهرهای ایران در آغاز دوره اسلامی، از رودان نامی نیست، اما از فتح جیرفت* و نواحی آنجا تا هرمز*، که رودان نیز از توابع آنها بوده، سخن رفته است. این مناطق را در زمان خلافت عثمان بن عفان (حک: ۲۳-۳۵)، مجاشع بن مسعود سلمی فتح کرده است (← بلاذری، ص ۵۵۱).

نخستین بار در منابع جغرافیایی قرن چهارم، از رودان و

روحی بغدادی به سبب نقدهای بسیار تأثیرگذارش، در ادبیات دیوانی ترکی شاعری کم نظیر است (گولپینارلی، ص ۲۴). شخصیت اصلی و قدرت شاعری او در ترکیب بند مشهور و هفده بندی او بازتاب یافته است (روحی بغدادی، ۱۹۴۱؛ سامی، همانجاها). روحی در این شعر از فاصله بسیار و فزاینده میان گروههای مختلف جامعه، از متولیان مملکت تا اهل دین و تصوف و از تجار تا عامه مردم، و از ناخشنودی جامعه از این اوضاع، جسورانه انتقاد کرده است (کورناز، ص ۲۸۱). او با اسلوبی گزنده و هوشمندانه از مشکلات اجتماعی سخن گفته و به انتقاد از مدعیان دروغین دین و اخلاق پرداخته است (روحی بغدادی، ۲۰۰۰، همان مقدمه، ص ۶۶). شعرای بسیاری از قبیل سنبل زاده وهبی*، غالب دده* (متوفی ۱۲۱۳)، ضیاء پاشا (متوفی ۱۲۹۷)، و معلم ناجی* (متوفی ۱۳۱۱) بر این ترکیب بند نظیره نوشته اند (د.ا.د. ترک، ذیل ماده). موفق ترین این نظیره‌ها از آن ضیاء پاشاست. ضیاء پاشا جامعه عثمانی دوران خود را موضوع اثرش قرار داده، در حالی که روحی جامعه بشری و همه انسانها را در نظر داشته است. از این رو اثر روحی بغدادی دارای ماهیتی بشری است (گولپینارلی، ص ۲۵).

تنها اثر روحی بغدادی دیوان اوست که از حجیم ترین دیوانها در ادبیات دیوانی ترکی به شمار می رود (اوزتوپراق، ص ۱۰۵). این دیوان یک بار در ۱۲۸۷ / ۱۸۷۰ چاپ شده و جوشقون آق با بررسی همه نسخه خطی دیوان، تصحیح انتقادی آن را در ۱۳۸۰ ش / ۲۰۰۱ در بورس منتشر کرده است. بر این اساس در دیوان او ۴۰ قصیده، ۶ مرثیه، یک ترکیب بند، یک ترجیع بند، تعدادی مسقط، ۳ منظومه، یک معما، ۹۴ ماده تاریخ، ۱۱۱۵ غزل، ۲۸ رباعی، ۲۶ قطعه و مدیحه‌ای در ۹ بیت موجود است (روحی بغدادی، ۲۰۰۱، ج ۱، همان مقدمه، ص ۲۸).

منابع: محمد طاهر بروسلی، عثمانلی مؤلفلری، استانبول ۱۳۳۳-۱۳۴۲؛ سامی؛ عهدی بغدادی، گلشن شعرا (تذکره عهدی بغدادی)، نسخه خطی کتابخانه سلیمانیه، بخش علی امیری - تاریخ، ش ۷۷۲؛ قانف زاده فاضلی، زبدة الاشعار، نسخه خطی کتابخانه سلیمانیه، بخش اسعد افندی، ش ۲۷۲۶؛

Esrar Dede, *Tezkire-i şu'arâ-yı Mevleviyye: inceleme-metin*, ed. İlhan Genç, Ankara 2000; Abdülbaki Gölpınarlı, *Nesimi, Usuli, Ruhi: hayatı sanatı şiirleri*, İstanbul 1953; Cemâl Kurnaz, "Çağın cesur bir tanığı: Bağdatlı Rûhî", *Türk kültürü araştırmaları dergisi*, XXXII/1-2 (1996);

که ساکنان دهباز را به تمرد و راهزنی متهم کرده، مؤید این موضوع است.

در قرن چهارم، مهم‌ترین محصولات منطقه رودان، یعنی خرما، نارنج، نیل، و زیره صادر می‌شد و نیشکر، از دیگر محصولات آن نواحی، در همانجا به پانید / پانید تبدیل می‌گردید. باغها و مزارع منطقه از رودخانه رودان و نیز قناتها مشروب می‌شدند (اصطخری، ص ۱۶۷؛ مقدسی، ص ۴۶۷؛ حدودالعالم، همانجا).

در قرنهای ششم و هفتم، ادریسی (ج ۱، ص ۴۴۰) و یاقوت حموی (ذیل «کومین») و در قرن هشتم، ابن عبدالحق (ج ۳، ص ۱۱۸۹) از این منطقه یا آبادیهای آن یاد کرده‌اند، اما اطلاعات آنان نقل قول از آثار مؤلفان قرن چهارم است. باوجوداین می‌دانیم منطقه رودان جزو قلمرو حکومت محلی ملوک هرمز (قرون سوم تا دهم) بوده‌است که تا هنگام اخراج پرتغالیها از جنوب ایران و تصرف این مناطق به دست شاه‌عباس صفوی (حک: ۹۹۶-۱۰۳۸)، بر آنجا حاکم بودند (فلور، ص ۲۰۶-۲۰۹).

پس از سقوط صفویان (حک: ۹۰۷-۱۱۳۵)، در زمان تاخت و تاز افغانها در ایران، نام رودان در گزارشهای کارکنان شرکت هند شرقی هلند آمده‌است. برطبق این گزارشها، در ۱۱۴۰، لشکر افغانها با حمله به ولایت رودان، که ظاهراً از توابع شهر میناب بود، آنجا را غارت کردند و همچون دیگر نواحی آن حدود، بسیاری از اهالی آن به بردگی در بندرعباس به فروش گذاشته شدند (همان، ص ۴۸، ۵۸، ۶۰، ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۳۰). پس از آن تا دوره قاجار (حک: ۱۲۱۰-۱۳۴۴ (۱۳۰۴ ش)) اطلاعی از این منطقه در دست نیست.

در دوره قاجار، ولایت رودان به همراه منطقه احمدی، یکی از بلوکات لارستان* فارس بود. اما در ۱۲۲۶، که بندرعباس و آبادیهای اطراف آن به سلطان مسقط اجاره داده شد، زمینه جدایی رودان از لارستان فراهم آمد. در سالهای بعد، حاکم عرب بندرعباس با پرداخت هزینه بیشتر رودان و احمدی را به قلمرو خود ضمیمه کرد. در ۱۲۷۰، اوایل دوره ناصرالدین‌شاه، دولت ایران خواست این مناطق را به تاجری شیرازی اجاره دهد که میان سلطان مسقط و دولت ایران جنگی درگرفت و در نتیجه آن، با اخراج عربهای مسقطی از این مناطق، بار دیگر رودان و احمدی به لارستان الحاق شد. در نزاع بین آنها، قلعه کمیز، که مسقطیها در آن پناه گرفته بودند، ویران گشت (خورموجی، ج ۱، ص ۱۳۱، ۱۳۴-۱۳۶؛ نیز فسانی، ج ۱، ص ۸۰۱-۸۰۴).

آبادیهای مهم آن نامبرده شده‌است. در این منابع از رودان با نام رودکان، نهر زنکان / نهر زنجان (با ترجمه رود به نهر) یا اردکان یاد شده (اصطخری، ص ۱۶۳، ۱۶۹؛ ابن حوقل، ص ۳۰۵، ۳۱۵؛ مقدسی، ص ۵۲، ۴۶۱، ۴۶۷؛ حدودالعالم، ص ۱۲۷)، که همه نصحیف همان واژه رودکان / رودکان است. با توجه به جریان داشتن رودخانه رودان با چندین شاخه در این منطقه (فرهنگ جغرافیایی رودهای کشور، ج ۴، ص ۲۳۰، ۲۳۲)، که سهم عمده‌ای در شکل‌گیری آبادیهای آنجا داشته‌است، به نظر می‌رسد نام منطقه برگرفته از نام این رود باشد.

در منابع جغرافیایی قرن چهارم، از کمیز، از دیگر آبادیهای مهم و باستانی منطقه، با نام کومین یا کومیز یاد شده‌است (اصطخری، ص ۱۶۲، ۱۶۹؛ ابن حوقل، ص ۳۰۷-۳۱۵؛ حدودالعالم، همانجا). از قلعه قدیمی کمیز، در دوازده کیلومتری مرکز شهرستان رودان، ظاهراً در آن دوران استفاده می‌شد (پازوکی طرودی و شادمهر، همانجا؛ فرهنگ جغرافیایی آبادیهای [کشور]، ج ۶، ص ۲۰).

افزون بر اینها، ابن حوقل (ص ۳۰۷، ۳۱۱، ۳۱۳)، در ذکر شهرهای مسیر خلیج فارس تا شهرهای جیرفت و سیرجان، از آبادی دهبازست یاد کرده‌است که بر اساس فواصلی که او از این مکان تا برخی آبادیهای اطراف - کمیز، هرمز و گلاشگرد - ذکر می‌کند، احتمالاً همین شهر دهبازست کنونی است. ابن حوقل (ص ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۵) از شهر کوچک رودان، در نزدیکی دهباز، نیز یاد کرده‌است. در نسخه‌های مختلف به‌جامانده از اثر ابن حوقل، رودان به صورتهای نهر زنکان، نهر زنجان، ابهر زنجان و اردکان و ادرکان ثبت شده‌است، که با توجه به آبادیهای اطراف این شهر، به نظر می‌رسد تمام این نامها بر یک موضع، یعنی رودان، اطلاق شده‌است. بر این اساس، دهباز نام تاریخی شهر کنونی رودان نیست، بلکه دهباز و رودان دو آبادی جداگانه بوده‌اند. باوجوداین مشخص نیست شهر رودان / رودکان نابود شده‌است یا به‌مرور زمان نام دیگری بر آن نهاده‌اند. اشاره اسمیت (ص ۲۳۲) به اقوال مردم بلوک رودان در ۱۲۸۸ / ۱۸۷۱، در مورد وجود ویرانه‌های شهری قدیم در آن منطقه، شاید درباره همین شهر رودان باشد.

نام آبادی دهباز به عشایر ستیزه‌جویی مشهور به بارز* برمی‌گردد که در جنوب ایالت کرمان می‌زیسته‌اند و حداقل تا قرن هفتم اطلاعی از آنها در دست هست (باستانی پاریزی، ج ۱، ص ۳۸۸-۳۸۹). اظهارات ابن حوقل (ص ۳۱۳)،

در ۱۳۳۳ ش، با تأسیس شهرستان میناب (به ایران، وزارت کشور، معاونت سیاسی، ۱۳۹۰ ش، ب، ذیل «استان هرمزگان»)، دهستان رودان با الحاق دهستان احمدی به آن و با ایجاد پنج دهستان تابع، به مرکزیت دهبازر، به بخش ارتقا یافت (فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور جمهوری اسلامی ایران، ج ۱۲۳، ص ۸۷). در ۱۳۶۱ ش، با ارتقای آبادی دهبازر به شهر، زمینه شکل‌گیری شهرستان رودان فراهم آمد و در اسفند ۱۳۶۸، این شهرستان به تصویب هیئت وزیران تشکیل شد (به ایران، وزارت کشور، معاونت سیاسی، ۱۳۹۰ ش، ج، ذیل «استان هرمزگان»؛ همو، ۱۳۹۰ ش، ب، همانجا). از همان سالها مرکز شهرستان را رودان نامیدند، هرچند همچنان دهبازر رواج دارد (فرهنگ جغرافیایی آبادیهای [کشور]، ج ۶، ص ۵). این شهرستان مشتمل بر چهار بخش و شهرهای رودان (دهبازر)، بیگاه، و زیارتعلی است (به ایران، وزارت کشور، معاونت سیاسی، ۱۳۹۰ ش، الف، ذیل «استان هرمزگان»).

در ۱۳۹۰ ش، جمعیت شهرستان رودان ۱۱۸'۵۴۷ تن بوده است که از این تعداد ۴۳۳۶۲ تن شهرنشین و ۷۵'۱۸۵، روستانشین بوده‌اند. از ساکنان مناطق شهری، ۳۳'۲۸۵ تن در رودان (دهبازر)، ۷'۰۰۲ تن در بیگاه، و ۳'۰۷۵ در زیارتعلی ساکن بوده‌اند (به مرکز آمار ایران، ص ۹۸، ۱۲۹-۱۳۰).

اساس اقتصاد شهرستان رودان کشاورزی و دامداری است. کشاورزی در این منطقه با جریان داشتن رودان و سرشاخه‌های مختلف آن (به فرهنگ جغرافیایی رودهای کشور، ج ۴، ص ۲۲۶، ۲۳۲) و نیز دشتهای حاصلخیز، رونقی روزافزون دارد. افزون بر خرما و لیموترش، مهم‌ترین محصولات منطقه، دیگر مرکبات، انبه و موز نیز در این منطقه تولید می‌شود. دامداری نیز رونقی نسبی دارد. به سبب آب‌وهوای گرم، غالب دام منطقه بز است و پرورش گوسفند، گاو و شتر در مناطق کوهستانی شمال شهرستان رواج دارد (معمدی، ص ۱۲۹-۱۳۴، ۱۴۸-۱۵۳، ۲۸۳-۲۸۶).

صنایع سنگین چندان در شهرستان فعال نیست، اما از قدیم تولید صنایع دستی متنوع در این منطقه رواج داشته است، حصیربافی مهم‌ترین این صنایع است که غالباً زنان با استفاده از شاخ و برگ خرما به این کار اشتغال دارند (به همان، ص ۱۱۴-۱۲۵؛ فرهنگ جغرافیایی آبادیهای [کشور]، ج ۶، ص ۳۲، ۵۷، ۷۶). نفت هنوز در این شهرستان به استخراج و بهره‌برداری نرسیده است. این شهرستان دارای

در آن سالها، بلوک رودان و احمدی ۲۱ آبادی داشت و بر مسیر یکی از راههای مواصلاتی بندرعباس به شهرهای ایالت کرمان واقع بود. اما موقعیت رودان رونق چندانی برای آن به همراه نداشت، به گونه‌ای که کلبه‌های غالباً حصیری و گلی اهالی سراسر رودان حاکی از فقر و تنگدستی مردم آنجا بود (به آسوت، ص ۵۴؛ اسمیت، ص ۲۳۱-۲۳۳؛ فسانی، ج ۲، ص ۱۳۴۸-۱۳۴۹). دهبازر، مرکز بلوک، حدود پانصد خانه داشت (> فرهنگ جغرافیایی ایران <، ج ۲۴، ص ۳۲۷).

افزون بر گندم، جو، و اندکی برنج، مرکبات نیز از محصولات کشاورزی این بلوک بود و نارنج و نارنگی آنجا شهرت داشت. با وجود این محصول اصلی ساکنان رودان خرما بود و بیشتر مالیات منطقه بر اساس تعداد درختان نخل اهالی محاسبه می‌شد. مالیات منطقه حدود ده هزار قران و مالیات هر چهار درخت شمر یک قران بود (اسمیت، ص ۲۳۲-۲۳۳؛ فسانی، ج ۲، ص ۱۳۴۹). همچنین نیل از دیگر محصولات این منطقه بود (فسانی، همانجا).

در این زمان، رودخانه رودان مهم‌ترین منبع آب منطقه بود که سرشاخه‌های آن نامهای متفاوت داشت. همچنین مقداری از آب منطقه از قناتها تأمین می‌شد (اسمیت، ص ۲۳۲؛ فسانی، همانجا). در این منطقه هشت چشمه نفت وجود داشت که اهالی به‌ویژه برای مصارف پزشکی از آن استفاده می‌کردند (سدیدالسلطنه، ص ۵۷۳-۵۷۴). افزون بر کشاورزی، دامداری نیز رونق داشت و اهالی دهبازر حدود سه هزار رأس بز و گوسفند و دویست رأس شتر داشتند (> فرهنگ جغرافیایی ایران <، همانجا).

بلوک رودان و احمدی تا اواخر دوره رضاشاه پهلوی (حک: ۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش) جزئی از استان فارس بود (به سدیدالسلطنه، ص ۵۷۷-۵۸۸)، اما در تقسیمات ۱۳۱۶ ش، به استان هشتم، کرمان، الحاق شد. در این زمان، رودان و احمدی از هم جدا شدند؛ احمدی دهستانی از شهرستان بندرعباس شد و رودان با شانزده ده، به مرکزیت دهبازر، ابتدا جزو دهستانهای بندرعباس بود، سپس با ارتقای دهستان میناب به بخش و با افزایش آبادیهای دهستان رودان به ۳۱ پارچه، از توابع میناب گشت (به حاج علی رزم‌آرا، ص ۱۱۸، ۱۲۸؛ ایران، وزارت کشور، اداره کل آمار و ثبت‌احوال، ج ۲، ص ۴۰۲، ۴۱۱؛ حسینعلی رزم‌آرا، ج ۸، ص ۲۱۰). در حدود ۱۳۲۰ ش، جمعیت دهستان رودان، ۹۷۰۸ تن بود که دوهزار تن از آنها در دهبازر سکونت داشتند (به حاج علی رزم‌آرا، ص ۱۲۸؛ حسینعلی رزم‌آرا، ج ۸، ص ۱۶۸).

ابوالقاسم سری، تهران ۱۳۶۷ ش، مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، کل کشور، تهران ۱۳۹۱ ش، عبدالهادی معتمدی، رودان بهشت جنوب، سدرعباس ۱۳۸۰ ش، مقدسی، باقوت حموی

Keith E. Abbott, "Geographical notes, taken during a journey in Persia in 1849 and 1850", *The Journal of the Royal Geographical Society*, vol 25 (1855), *Gazetteer of Persia*, vol.4, Calcutta: Office of the Superintendent of Government Printing India, 1892; Euan Smith, "The Perso-Afghan mission, 1871-72", in *Eastern Persia: an account of the journeys of the persian boundary commission, 1870-71-72*, vol.1, London: Macmillan, 1876.

/ مرئضی دانشیار /

رودانی، محمدبن محمد ← مغربی، محمدبن سلیمان

رودبار، نام چند مکان در ایران و نیز افغانستان. رودبار واژه‌ای فارسی و به معنای جایی است که رودها و نهرهای آب در آن جریان دارند (← سمعانی، ج ۶، ص ۱۸۷؛ باقوت حموی؛ برهان، ذیل ماده). گاه به نواحی حوضه یک رود که حدود ۳۰-۴۰ دهکده داشت نیز رودبار اطلاق می‌شده است (← منوچهر ستوده، ۱۳۸۸ ش، ص ۲۹). از این رو چند مکان جغرافیایی با نام رودبار در فلات ایران وجود دارد، از جمله در قزوین، گیلان، کرمان و ایالت سیستان قدیم.

(۱) رودبار قزوین. ناحیه تاریخی رودبار در شمال قزوین بخشی از ناحیه دیلم بود. این ناحیه کوهستانی به جهت عبور رود شاهرود* از میان آن، به رودبار شاهرود نیز شهرت داشت. رودبار سرزمینی وسیع از حدود سرچشمه‌های شاهرود در الموت* تا نزدیکی ملتقای با رود قزل‌اوزون در منجیل را دربرمی‌گرفت (قزوینی، ص ۳۷۳؛ حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، ص ۶۰-۶۱، ۲۱۷؛ نیز ← منوچهر ستوده، ۱۳۴۹-۱۳۸۰ ش، ج ۱، ص ۴۶۱). به نظر می‌رسد در منابع متقدم، هرجا از رودبار در شمال ایران به‌عنوان مرکز ملوک دیلم (جستابیان*) نام برده شده است، مراد همین رودبار باشد که به رودبار الموت و رودبار قزوین نیز معروف بوده است (← اصطخری، ص ۲۰۴؛ باقوت حموی، همانجا؛ جوینی، ج ۳، ص ۲۰۲، ۲۱۲؛ ابوالفداء، ص ۴۲۸-۴۲۹؛ حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، ص ۶۰، ۲۱۷-۲۱۸).

ظاهراً نخستین بار نام رودبار در تاریخ طبری (قرن سوم) آمده است. طبری (ج ۹، ص ۹۷) در بیان ماجرای مازیار (آخرین

معادن غنی است، از جمله کرومیت، گوگرد، منگنز، پنبه نسوز و آهن. مهم‌ترین معدن فعال شهرستان کرومیت است که پیش از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ ش) استخراج آن آغاز شده است (معتمدی، ص ۷۰-۷۳؛ فرهنگ جغرافیایی آبادیهای [کشور]، ج ۶، ص ۲۲).

چند مکان دیگر نیز به رودان مشهورند، از جمله شهر و ولایتی در مرز دو ایالت کرمان و فارس، که امروزه شهرستان رفسنجان بر جایگاه آن برآمده است (← رفسنجان*؛ شهری کوچک در سیستان، در میانه راه سراوان به نشت، که در منابع جغرافیایی افرون بر وصف کشت و زرع در این شهر، از معدن نمک آنجا و صدور آن نیز سخن رفته است (برای نمونه ← اصطخری، ص ۲۳۸، ۲۴۸؛ ابن حوقل، ص ۴۱۱، ۴۱۳؛ حدودالعالم، ص ۱۰۴)؛ و روستایی در ولایت خوارزم (← باقوت حموی، ذیل ماده).

منابع: ابن حوقل، ابن‌الحسن، مرصد الاطلاع، چاپ علی محمد بحرانی، بیروت ۱۹۹۲/۱۴۱۲، محمدبن محمد ادرسی، کتاب نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق، بیروت ۱۳۰۹/۱۹۸۹، اصطخری، احمدبن حامد افضل‌الدین کرمانی، تاریخ کرمان: سلجوقیان و غز در کرمان، [تحریر] محمدابراهیم حبیبی، چاپ سانسلی پاریری، تهران ۱۳۲۳ ش، ایران وزارت کشور، اداره کل آمار و ثبت احوال، کتاب جغرافیا و اسامی دهات کشور، ج ۲، تهران ۱۳۲۹ ش؛ ایران وزارت کشور معاونت سیاسی دفتر تقسیمات کشوری، عناصر و واحدهای تقسیمات کشوری ایران، تیر ۱۳۹۰، تهران ۱۳۹۰ ش، الف، همو، نشریه تاریخ تأسیس شهرستانهای کشور، تهران ۱۳۹۰ ش، همو، نشریه تاریخ تأسیس شهرهای کشور، تهران ۱۳۹۰ ش، ج، محمدابراهیم باستانی پاریزی، وادی همت واد: سحنی در تاریخ اجتماعی و آثار تاریخی کرمان، ج ۱، تهران ۱۳۵۵ ش؛ بلاذری (بیروت) ناصر بازوکی طرودی و عبدالکریم شاه‌مهر، آثار ثبت شده ایران در فهرست آثار ملی: از ۱۳۱۰/۶/۲۴ تا ۱۳۸۴/۶/۲۴، تهران ۱۳۸۴ ش؛ حدودالعالم؛ محمدجعفر بن محمدعلی غورموجی، حقایق الاخبار ناصری، چاپ حسین حدیوحم، تهران ۱۳۴۴ ش؛ حاج علی رزم‌آرا، جغرافیای نظامی ایران کرمان، تهران ۱۳۲۳ ش؛ حبیبعلی رزم‌آرا؛ محمدعلی سدیدالسلطنه، سدرعباس و حلیج فارس = اعلام الناس فی احوال سدرعباس، چاپ احمد افتداری و علی ستایش، تهران ۱۳۶۳ ش؛ فرهنگ جغرافیایی آبادیهای [کشور] استان هرمزگان، تهران سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۳ ش؛ فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور جمهوری اسلامی ایران، ج ۱۲۳، میاب، تهران اداره جغرافیایی ارتش، ۱۳۶۲ ش؛ فرهنگ جغرافیایی رودهای کشور، تهران سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۱ ش - حسین حس فسانی، فارسنامه ناصری، چاپ منصور رستگارسانی، تهران ۱۳۸۲ ش؛ ویلم فلور، اشرف افغان در تختگاه اصمهان به روایت شاهدان هلندی، ترجمه